

## **A Critical Review on the Book** **“*An Introduction to Cognitive Linguistics*”**

**Parsa Bamshadi\***

### **Abstract**

The present paper has been written with the aim of analyzing and reviewing the Persian translation of ‘*An Introduction to Cognitive Linguistics*’ by Jahanshah Mirzabeigi (2018). Analyzing the English version of the book revealed that, although it is one of the main and well-known textbooks in the field, it has some deficiencies among which we can mention insufficient attention to the basic principles and assumptions of cognitive linguistics, language universals and linguistic diversity from the perspective of cognitive linguistics, embodiment and the embodied basis of language and cognition. Also, although some issues in cognitive semantics, such as metaphor, metonymy, image schemas, and conceptual blending, are well addressed in the book, some other issues such as force dynamics are neglected. Analyzing the Persian translation of the book showed that there are some deficiencies and drawbacks, the most important of which are: inappropriate equivalents for certain technical and non-technical terms, relatively considerable errors in translation of words, expressions, and sentences, and numerous errors in intra- and extra-textual references. In this regard, it is suggested that the book should be revised in terms of spelling, eloquence, and translation accuracy.

**Keywords:** Cognitive Linguistics, Metaphor, Categorization, Image Schema, Conceptual Blending

\* PhD in Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, [parsa.bamshadi@gmail.com](mailto:parsa.bamshadi@gmail.com)

Date received: 04/03/2022, Date of acceptance: 30/07/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## بررسی و نقد کتاب مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی

پارسا بامشادی\*

### چکیده

این مقاله با هدف بررسی و نقد کتاب «مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی» نوشته اوانگر و اشمیت، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی (۱۳۹۷) به نگارش درآمده است. پس از بررسی نسخه انگلیسی کتاب مشخص شد که گرچه این کتاب یکی از منابع اصلی و شناخته‌شده برای زبان‌شناسی شناختی است، دارای کاستی‌هایی است که از آن میان می‌توان به عدم توجه کافی به بنیادها و فرض‌های اساسی زبان‌شناسی شناختی، جهانی‌های زبان و تنوع زبانی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی و نیز بدن‌مندی و شالوده جسمانی زبان و شناخت اشاره کرد. همچنین، هرچند برخی از مباحث مطرح‌شده در معناشناسی شناختی همچون استعاره، مجاز، طرحواره‌های انگاره‌ای و آمیختگی مفهومی به‌خوبی مورد بحث قرار گرفته‌اند، برخی از مباحث آن همچون نیروپویایی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. پس از بررسی ترجمه اثر نیز کاستی‌ها و ایرادهایی در آن مشاهده شد که مهمترین آنها عبارتند از: معادل‌گزینی‌های نامناسب برای برخی اصطلاح‌های تخصصی و گاه غیرتخصصی؛ اشکالات نسبتاً چشمگیر در برگردان واژه‌ها، عبارت‌ها یا جمله‌ها به فارسی که آنها را می‌توان تحت عناوین نادرستی ترجمه، نارسایی ترجمه و نایک‌نواختی ترجمه مطرح کرد؛ اشکالات پرشمار در ارجاع‌های درون‌متنی و برون‌متنی. از این رو، پیشنهاد می‌شود که کتاب از نظر املائی، انشایی و ترجمه‌ای مورد بازنگری جدی قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌شناسی شناختی، استعاره، مقوله‌بندی، طرحواره انگاره‌ای، آمیختگی مفهومی

\* دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، [parsa.bamshadi@gmail.com](mailto:parsa.bamshadi@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی رویکردی نسبتاً نوپدید اما دارای رشد شتابان در مطالعه زبان است که از دهه ۱۹۸۰ با پژوهش‌های جورج لیکاف، رونالد لانگاکر، چارلز فیلمور و لئونارد تالمی آغاز شد و تا به امروز همواره در حال پیشرفت و گسترش بوده است. زبان‌شناسی شناختی امروزه به چهارچوب پژوهشی پربار و چندسویه‌ای تبدیل شده است که ابزارهای تازه‌ای در اختیار بسیاری از شاخه‌های مطالعه زبان می‌گذارد و انسجام تازه‌ای به طیفی از قلمروهای پژوهشی در زبان‌شناسی می‌بخشد (Dancygier, 2017: 1). در پایان سده بیستم و آغاز سده بیست و یکم، زبان‌شناسی شناختی به درجه‌ای از بالندگی رسیده بود که چندین کتاب درآمد برای آن نوشته شد و بدین ترتیب امکانی برای آشنایی دانشجویان و زبان‌پژوهان با این رویکرد و گسترش هر چه بیشتر آن فراهم آمد. یکی از نخستین کتاب‌های مقدماتی زبان‌شناسی شناختی، کتاب «مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی» (An Introduction to Cognitive Linguistics) نوشته فریدریش اونگر و هانس یورگ اشمیت (F. Ungerer & H.J. Schmid) است که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد. پنج سال پس از این تاریخ، کتاب «زبان‌شناسی شناختی: یک درآمد» از دیوید لی (D. Lee, 2001) و سه سال بعدتر نیز کتاب «زبان‌شناسی شناختی» کرافت و کرووز (W. Croft & D.A. Cruse, 2004) منتشر گردید. در سال ۲۰۰۶ هم کتاب «زبان‌شناسی شناختی: یک درآمد» اثر اوانز و گرین (V. Evans & M. Green, 2006) انتشار یافت، هم ویراست دوم کتاب اونگر و اشمیت منتشر شد و هم نخستین دستنامه زبان‌شناسی شناختی (D. Geeraerts, R. Dirven & J.R. Taylor, 2006) توسط انتشارات موتون د گرویتز (Mouton de Gruyter) وارد بازار کتاب شد. در سال ۲۰۰۷ نیز نخستین واژه‌نامه زبان‌شناسی شناختی توسط اوانز (۲۰۰۷) انتشار یافت و دستنامه زبان‌شناسی شناختی آکسفورد (D. Geeraerts & H. Cuyckens, 2007) توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد چاپ و منتشر شد. در مجموع، می‌توان گفت که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۷ سال‌های پرباری برای زبان‌شناسی شناختی، دست‌کم از دید انتشار کتاب‌های مقدماتی سترگ و دستنامه‌های گران‌سنگ، بوده است.

پژوهش پیش رو به بررسی و نقد ویراست دوم کتاب «مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی» نوشته فریدریش اونگر و هانس یورگ اشمیت (۲۰۰۶) می‌پردازد که جهان‌شاه میرزابیگی در سال ۱۳۹۷ آن را به فارسی برگردانده و انتشارات آگاه منتشر کرده است.

بررسی و نقد کتاب مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی ... (پارسا بامشادی) ۵

جهان‌شاه میرزاییگی در سال‌های اخیر دست به ترجمه بسیاری از برجسته‌ترین و شناخته‌شده‌ترین کتاب‌های مورد ارجاع در زبان‌شناسی شناختی زده و تلاش ستودنی و گسترده‌ای در این زمینه انجام داده است. دیگر کتاب‌هایی که وی در زمینه زبان‌شناسی شناختی ترجمه کرده عبارتند از: الف- ب زبان‌شناسی شناختی (۱۳۹۸)؛ مبانی دستور شناختی (۱۳۹۷)؛ زبان‌شناسی شناختی: یک مقدمه (۱۳۹۷)؛ استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم (۱۳۹۷)؛ از مولکول تا استعاره (۱۳۹۷)؛ استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟ شناخت بافت در استعاره (۱۳۹۶)؛ زیبایی‌شناسی فهم انسان- معنای بدن (۱۳۹۶)؛ بدن در ذهن: مبنای جسمانی، تخیل و استدلال (۱۳۹۶)؛ استعاره: مقدمه‌ای کاربردی (۱۳۹۶)؛ ریاضیات از کجا می‌آید؟ چگونه ذهن جسمانی ریاضیات را خلق می‌کند؟ (۱۳۹۶)؛ قلمرو تازه علوم شناختی (آنچه مقوله‌ها درباره ذهن فاش می‌کنند) (۱۳۹۵).

در بخش‌های بعدی مقاله، نخست معرفی و بررسی کوتاهی درباره نسخه انگلیسی کتاب (ویراست دوم، ۲۰۰۶) ارائه می‌شود و سپس به تفصیل درباره نسخه ترجمه‌شده کتاب و نقاط قوت و ضعف آن بحث می‌شود.

## ۲. معرفی نسخه انگلیسی کتاب

کتاب موردنظر، ویراست دوم از کتاب «مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی» (اونگر و اشمیت، ۲۰۰۶) است که ویراست نخست آن در سال ۱۹۹۶ توسط انتشارات Addison Wesley Longman منتشر شده بود. نویسندگان به فراخور پیشرفت و گسترش رویکرد زبان‌شناسی شناختی و طرح موضوعات نو در آن، اصلاحاتی در کتاب انجام داده و مطالبی به آن افزوده‌اند و در مجموع یک فصل بر ۶ فصل ویراست پیشین افزوده شده است. ویراست جدید کتاب دارای هفت فصل است: ۱- پیش‌نمونه‌ها و مقوله‌ها؛ ۲- سطوح مقوله‌بندی؛ ۳- استعاره‌ها و مجازهای مفهومی؛ ۴- نگاره و زمینه؛ ۵- قاب‌ها و ساخت‌ها؛ ۶- آمیختگی و ربط؛ ۷- دیگر موضوع‌ها در زبان‌شناسی شناختی.

افزون بر این فصل‌ها، دو بخش درآمد و نتیجه‌گیری نیز در آغاز و پایان کتاب آمده است. همچنین، یکی از مزیت‌های کتاب وجود بخشی به نام «پیشنهادهایی برای مطالعه بیشتر» است که در آن برای هر یک از بخش‌های فصول کتاب جداگانه منابع معرفی شده است.

چنانکه می‌توان دید، دو فصل نخست کتاب به بحث درباره مقوله‌بندی و پیش‌نمونه می‌پردازد که در زمره نخستین و مهم‌ترین بحث‌های مطرح‌شده در زبان‌شناسی شناختی از همان سرآغاز پیدایش آن بوده‌اند. به عبارتی، نزدیک به یک‌سوم از حجم کتاب به بحث در این باره اختصاص یافته و جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی آن واکاوی شده است. گرچه مقوله‌بندی مبحثی بسیار بنیادین و کلیدی در زبان‌شناسی شناختی است، به نظر می‌رسد اختصاص یک‌سوم از حجم کتاب به این مبحث تا اندازه‌ای زیاده‌روی است. در مقابل، برخی دیگر از مباحث بنیادین در زبان‌شناسی شناختی چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. پیرامون بنیادها و فرض‌های اساسی زبان‌شناسی شناختی و به‌ویژه دو اصل «تعهد شناختی» (cognitive commitment) و «تعهد تعمیم» (generalization commitment) سخن به میان نیامده است. همچنین به بحث درباره جهانی‌های زبان و تنوع زبانی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، که در برابر جهانی‌های چامسکیایی و جهانی‌های رده‌شناختی بحثی مهم به نظر می‌رسد، پرداخته نشده است. یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در زبان‌شناسی شناختی و در علوم شناختی در کل، بحث بدن‌مندی (embodiment) و شالوده جسمانی زبان و شناخت است. جالب است که این کلیدواژه تنها دو بار در کتاب آمده و درباره این موضوع بحث فراگیر و شایسته‌ای مطرح نشده است. گرچه برخی از مباحث مطرح‌شده در معناشناسی شناختی همچون استعاره (metaphor)، مجاز (metonymy)، طرح‌واره‌های انگاره‌ای (image schema) و درهم‌آمیزی مفهومی (یا آمیختگی مفهومی) (conceptual blending) مورد توجه و بحث قرار گرفته، برخی از مباحث آن همچون نیروپویایی (force-dynamics) چندان مورد توجه قرار نگرفته و به اشاره‌ای بسیار گذرا بسنده شده است.

### ۳. نقدی بر ترجمه کتاب

کتاب موردبررسی کتابی است بسیار سودمند، پرمحتوا و البته پرحجم و ترجمه آن کاری است دشوار و زمان‌بر؛ از این رو، اقدام به ترجمه چنین کتابی به خودی خود ستودنی و شایسته تقدیر است. با این حال، ترجمه ارائه‌شده خالی از کاستی و نارسایی نیست و هدف ما در این بخش این است که با نقدی بر ترجمه کتاب، گامی هرچند کوتاه در راستای بهبود ترجمه‌های آتی برداریم. کاستی‌های ترجمه را می‌توان در شش مقوله کلی دسته‌بندی کرد

که عبارتند از: (۱) کاستی‌های ساختاری؛ (۲) کاربرد واژه‌های عامیانه؛ (۳) کاستی‌های نگارشی؛ (۴) برابرنهادهای فارسی برای واژه‌ها و اصطلاحات انگلیسی؛ (۵) نادرستی، نارسایی یا نایکنواختی ترجمه؛ (۶) عدم ترجمه در برابر ترجمه افراطی.

### الف) کاستی‌های ساختاری

یکی از کاستی‌های این ترجمه فقدان بخش کوتاهی با عنوان «پیشگفتار مترجم» است که نبود آن احساس می‌شود. بهتر بود مترجم پیش‌گفتار کوتاهی بر ترجمه خود می‌نوشت و در آن اندکی درباره نویسنده و نیز مزیت‌ها و کاستی‌های احتمالی کتاب سخن می‌گفت. از آنجا که دست‌کم چهار یا پنج کتاب دیگر همانند این کتاب درباره مقدمات زبان‌شناسی شناختی به نگارش درآمده است، مترجم می‌توانست در پیشگفتار خود این کتاب را با دیگر کتاب‌های همسان در این زمینه به اختصار بسنجد و برتری‌ها یا ویژگی‌های برجسته کتاب را به آگاهی خواننده برساند. از دیگر کاستی‌های کتاب، نبود بخش‌های نمایه و واژه‌نامه در پایان آن است. از آنجا که زبان‌شناسی شناختی مفهوم‌ها و اصطلاح‌های نوین فراوانی را وارد قلمرو زبان‌شناسی کرده است و نیز با توجه به نبود موافقت در میان زبان‌شناسان و زبان‌پژوهان ایرانی درباره برابرنهادهای واژه‌ها و اصطلاح‌های تخصصی این حوزه، جای خالی بخش واژه‌نامه (هم فارسی به انگلیسی و هم انگلیسی به فارسی) در پایان کتاب به‌راستی احساس می‌شود. نمایه موضوعی و نمایه نام‌ها نیز می‌توانست در پایان کتاب بیاید و دسترسی خواننده را به موضوع‌های کلیدی و نام پژوهشگران و نویسندگان نام‌برده در کتاب آسان سازد.

### ب) کاربرد واژه‌های عامیانه

انتظار خواننده از این ترجمه به‌مثابه یک متن علمی تخصصی این است که عاری از واژه‌ها و اصطلاحاتی باشد که کاربرد عامیانه و غیررسمی دارند. اما این انتظار کاملاً برآورده نمی‌شود و در لابلای ترجمه گاه با واژه‌های عامیانه‌ای برخورد می‌کنیم که میزان رسمیت و پختگی متن را کاهش می‌دهند. نمونه‌هایی از رخداد واژه‌های عامیانه در ادامه می‌آید.

- واژه «قاتی» که در عبارت «... (که قاتی تصاویر دیگر یک به یک نشان داده می‌شدند) ...» (ص ۵۵، پ آخر)<sup>۱</sup> در برابر interspersed به کار رفته، واژه‌ای عامیانه است؛ می‌توان به جای آن عبارت‌های دیگری چون «آمیخته با» یا «در لابه‌لای» را به کار برد.

- در جمله «تصاویر (الف) و (ب) خیلی راحت خانه روستایی مقوله‌بندی شدند» (ص ۵۵، پ آخر)، عبارت «خیلی راحت» عامیانه به نظر می‌رسد و می‌توان به جای آن نوشت: «...» به سادگی به عنوان خانه روستایی مقوله‌بندی شدند».

- در پاراگراف نخست پس از عنوان «بافت-وابستگی پیش‌نمونه‌ها و کل ساختار داخلی مقوله» (ص ۶۸)، با عبارت «آزمایش کوچولو» روبرو می‌شویم. کاربرد واژه عامیانه «کوچولو» در یک متن علمی مناسب نیست و به جای آن می‌توان گفت «آزمایش کوچک»؛ که البته در پاراگراف نخست صفحه بعد همین ترجمه پیشنهادی ما به کار رفته است.

- عبارت «یک‌کاسه‌کردن نتایج» (ص ۲۵۳، پاراگراف زیر عنوان نخست) در برابر to integrate the results یا «تعداد وحشتناکی محرک‌گوناگون» (ص ۲۵۳، پاراگراف زیر عنوان دوم) در برابر a huge number of diverse stimuli حاوی واژه‌های عامیانه‌اند.

### ج) کاستی‌های نگارشی

کاستی‌های نگارشی دربرگیرنده مواردی است که به نگارش واژه‌ها و عبارت‌ها و نیز نوشتن یا نوشتن مواردی مانند پانویس‌ها، ارجاع‌ها و غیره مربوط می‌شود.

### ایرادهای املائی

یکی از اشکالات املائی متن ترجمه این است که میان اجزای یک واژه مرکب که باید بدون فاصله یا با نیم‌فاصله نوشته شوند، فاصله کامل درج شده است، مانند «غیر کانونی» (ص ۲۶)، «غیر رسمی‌تر» (ص ۵۵)، «غیر عادی» (ص ۵۶) و «غیر علمی» (ص ۹۷). در برخی موارد نیم‌فاصله‌گذاری میان اجزای یک واژه چنان است که صورت واژه را برای خواننده نامأنوس و گاه نادرست جلوه می‌دهد، مانند «قلم‌رو» (ص ۲۷)، «دست‌رسی» (ص ۶۲)، «هم‌گن» (ص ۶۲)، «چه‌گونه» (ص ۶۶)، «دانش‌گاه» (ص ۸۰)، «پژوهش‌گر» (ص ۱۰۹)، «فروش‌گاه» (ص ۱۲۱) و «بازی‌کن فوتبال» (ص ۳۵۳). در مواردی نیز شاهد جدانویسی نامناسب واژه‌ها هستیم، به صورتی که به جای نیم‌فاصله‌گذاری یا سرهم‌نویسی از خط فاصله استفاده شده است، مانند «فنجان-گونه» (ص ۵۲)، «مساوی-اضلاع» که منظور همان متساوی‌الاضلاع است (ص ۵۷)، «نا-بافت‌مند» (ص ۶۹ و ۷۰)، «گفتمان-محور» (ص ۷۱)، «زیر-گروه» (ص ۷۶)، «علم-بنیاد» (ص ۸۲)، «زیر-بخش» (ص ۹۵)، «خود-کفا» (ص ۱۱۱)، «چند-سطحی» (ص ۱۱۸)، «ساخت-واژی» (ص ۳۵۲)، «باز-انتها» (ص



(۳۵۲) و «واژه‌سازی» (ص ۳۵۹). از دیگر ایرادهای نگارشی کتاب این است که گاه یک واژه یا عبارت به چند صورت متفاوت نوشته می‌شود. برای نمونه، در عنوان شکل ۱-۷ (ص ۴۵) و چند جای دیگر، ترجمه اصطلاح goodness-of-example به صورت «خوبی-مثال» نوشته شده است، در حالی که ترجمه همین عبارت در پاراگراف ۳ از صفحه ۶۱ به صورت «خوبی‌مثال» آمده است. در موردی دیگر، در یک جا با صورت «نابافت‌مند» (ص ۶۹ و ۷۰) روبرو می‌شویم و در جای دیگر با صورت «نابافت‌مند» (ص ۷۶).

دیگر ایراد نگارشی که در ترجمه کتاب به چشم می‌خورد، مربوط به پررنگ‌نویسی یا کج‌نویسی واژه‌ها و عبارت‌هاست. گاه واژه‌ها و عبارت‌هایی که به منظور برجسته‌سازی در متن اصلی به صورت پررنگ (bold) یا ایرانیک (italic) نوشته شده‌اند، در متن ترجمه شده به درستی بازتاب نیافته‌اند. گاه با همان قلم معمولی نوشته شده‌اند و گاه برجسته‌سازی‌های اشتباه صورت گرفته است، یعنی به جای یک واژه یا عبارت، واژه یا عبارت دیگری برجسته شده است. برای نمونه، در صفحه ۱۶۶ در جمله «ما چه گونه مفهوم بحث را مفهوم‌سازی می‌کنیم؟» باید واژه «بحث» برجسته می‌شد که نشده است. همچنین در عنوان شکل ۴-۱۵ در صفحه ۲۴۴ به جای واژه «دادن»، واژه «بند» برجسته شده است. این گونه ایرادهای نگارشی در متن کتاب نسبتاً فراوان است و در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست. اشتباهات املائی از دیگر ایرادهایی است که در چند مورد دیده می‌شود؛ برای نمونه، در هر دو پانویس صفحه ۳۶۷ ایراد نگارشی وجود دارد، یکی در عبارت «اجاق آگاه» به جای «اجاق آگا» و دیگری جابجایی در دو واژه onomatopoeic impact.

### ایرادهای ارجاعی

ایرادهای ارجاعی ترجمه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: (۱) ارجاع‌های برون‌متنی: ارجاع به آثار نویسندگان دیگر؛ (۲) ارجاع‌های درون‌متنی: ارجاع به بخش‌های خود کتاب یا ارجاع به پی‌نوشت‌ها، شکل‌ها، جدول‌ها و مانند این‌ها. این اشکالات پرشمار است و مواردی مانند عدم شماره‌گذاری بخش‌های فصل‌ها، حذف نمادهای f و ff از ارجاع‌های برون‌متنی، اشتباه در نوشتن سال و شماره صفحات آثار، اشتباه در نوشتن شماره بخش‌ها، پی‌نوشت‌ها، شکل‌ها و غیره را در برمی‌گیرد که در ادامه نمونه‌هایی از آنها ذکر می‌شود.

**ارجاع‌های درون‌متنی:** یکی از ایرادهای اساسی ترجمه این است که شماره‌گذاری بخش‌های فصول کتاب از قلم افتاده است. در متن انگلیسی، هر یک از فصل‌های کتاب به چند بخش شماره‌گذاری شده تقسیم می‌شوند که در ترجمه حذف شده است، مانند صفحات ۱۷ و ۴۰ و ۶۸ که در آنها شماره بخش‌های ۱-۱ و ۲-۱ و ۳-۱ نوشته نشده‌اند. این کاستی باعث می‌شود ارجاع‌های درون‌متنی به بخش‌های کتاب که در جای‌جای متن به چشم می‌خورد، بی‌هدف و سرگردان بماند.

- در صفحه ۷۲ در انتهای پاراگراف اول، عدد ۱۹ که اشاره به پی‌نوشت شماره ۱۹ در پایان فصل دارد از قلم افتاده است. در انتهای پاراگراف سوم صفحه بعد نیز عدد اشاره‌گر به پی‌نوشت حذف شده است.

- در صفحه ۱۴۲ در پاراگراف آخر، دو مورد ارجاع درون‌متنی به بخش‌های دیگر کتاب دیده می‌شود که هردو نادرست ترجمه شده‌اند: «بخش ۱-۱» و «بخش ۱-۲» که هردو به صورت «بخش ۲-۱» آمده‌اند.

- در صفحه ۱۴۳ در پاراگراف آخر، شماره ارجاع به پی‌نوشت به جای (۲۱) به اشتباه (۱۲) نوشته شده است.

- در صفحه ۱۴۴ شماره ارجاع به پی‌نوشت به جای (۲۲) به اشتباه (۲) نوشته شده است.

- در صفحه ۱۴۸ در پاراگراف سوم، به جای «بخش ۱-۱» به اشتباه «بخش ۳-۱» آمده است.

- در صفحه ۱۵۱ در انتهای هردو پاراگراف دوم و سوم، به جای «بخش ۱-۴» به اشتباه «بخش ۴-۱» آمده است.

**ارجاع‌های برون‌متنی:** در ارجاع‌ها برون‌متنی کتاب، یعنی ارجاع به آثار دیگر نویسندگان، نیز مواردی از اشکال یافت می‌شود که نمونه‌هایی از آن در ادامه می‌آید.

- یکی از اشکالات اساسی و بسیار پرتکرار در ترجمه ارجاع‌های برون‌متنی این است که مترجم همه نمادهای  $f$  و  $ff$  را که برای اشاره به شماره صفحات پس از یک صفحه خاص به کار می‌رود، حذف کرده است. ده‌ها نمونه از این اشکال ترجمه‌ای

را می‌توان مثال زد که چند مورد از آن به این شرح است: در صفحه ۱۵۴ در مورد شماره ۸ تنها در یک سطر سه بار ff از قلم افتاده است:

Lyons (1977: 291ff), Cruse (1986: 145ff), Lipka (2002: 167ff)

در پاراگراف پایانی صفحه ۲۱۴ نیز سه مورد حذف ff از جلوی شماره صفحات روی داده است. همچنین در موارد ۲۲ و ۲۶ در صفحه ۱۵۶ و بسیاری موارد دیگر در جای جای کتاب به‌ویژه در بخش «پیشنهادهایی برای مطالعه‌ی بیشتر» پایان هر فصل.

- در عنوان شکل ۱-۱۷ (ص ۷۹) سال اثر (lipka 1987) به اشتباه (لیپکا ۱۹۸۲) نوشته شده است. همچنین در عنوان شکل ۷-۱۳ (ص ۴۳۴) شماره صفحات اثر (کووچش ۲۰۰۱) ذکر نشده است.

- در پاراگراف پایانی از صفحه ۱۲۵ ارجاع به (Aitchison 2003: 196f) به اشتباه (ایتچیسون ۲۰۰۳: ۱۹۶۱) ترجمه شده است.

- ترجمه نادرست ارجاع‌ها به اندازه‌ای است که گاه افزون بر سال و شماره صفحه اثر، نام نویسنده نیز اشتباه نوشته شده است، مانند ویلیام (۱۹۹۰: ۱۲۸) در برابر Wilson (1990: 128f) (ص ۲۰۳، پ آخر).

- در صفحه ۲۲۸ در عنوان شکل ۴-۸ شماره صفحات مربوط به اثر (لیکاف ۱۹۸۷) از قلم افتاده است. همچنین در عنوان شکل ۴-۹ در صفحه ۲۲۹.

- در صفحه ۳۸۱ شماره صفحه در ارجاع (Sperber and Wilson 1995: 265f) اشتباه نوشته شده است: (اسپربر و ویلسون ۱۹۹۵: ۲۶).

### پانویس

در کتاب مورد بررسی انبوهی از واژه‌های تخصصی وجود دارد که خواننده انتظار دارد در حین مطالعه کتاب با معادل‌های انگلیسی آنها نیز آشنا شود. معمولاً رسم بر این است که معادل‌های انگلیسی واژه‌های تخصصی موجود در هر صفحه را در پانویس همان صفحه می‌آورند، اما این موضوع در ترجمه کتاب مورد بحث به خوبی و به‌طور کامل رعایت نشده و در بسیاری از موارد هیچ پانویسی برای واژه‌های تخصصی ارائه نشده است. برای نمونه، در صفحه ۵۶ برای اصطلاح‌های «اصل مجاورت، اصل شباهت، اصل بستار، اصل پیوستار» که همگی واژه‌هایی تخصصی‌اند، معادل‌های انگلیسی در پانویس نیامده‌اند؛ یا در پاراگراف دوم از صفحه ۵۷ معادل انگلیسی واژه «پراگنانز» نیامده است. همچنین در پاراگراف ۴ از

صفحه ۴۰۹ پنج اصطلاح تخصصی یافت می‌شود (تعمیم، تخصیص، کاربرد مجازی، جانشینی، انتقال معنی) که معادل انگلیسی هیچ‌یک از آنها پانویس نشده است. افزون بر این موارد و بسیاری موارد دیگر از این دست، دو مورد زیر نیز قابل توجه است:

- پانویس مربوط به علامت ستاره (\*) در پاراگراف نخست از صفحه ۱۲۵ ترجمه نشده است (صفحه ۸۸ از متن انگلیسی کتاب).

- همچنین، گاه دیده می‌شود که معادل‌های انگلیسی اصطلاحات در همان درون متن داخل نشانه کمانک آمده‌اند و نه در پانویس؛ که این مساله باعث نایکنواختی متن می‌شود، مانند صفحه ۳۹۶ پاراگراف یکی مانده به آخر.

#### د) برابرنهادهای فارسی برای واژه‌ها و اصطلاحات انگلیسی

چشمگیرترین و حتی می‌توان گفت عجیب‌ترین برابرنهاد فارسی که مترجم در ترجمه کتاب به کار برده، واژه «کنایه» است که آن را برای metonymy برگزیده است. امروزه همه استادان و دانشجویان زبان‌شناسی و حتی رشته‌های دیگر چون ادبیات و فلسفه می‌دانند برابرنهادی که در زبان فارسی برای metonymy به کار می‌رود و تا اندازه‌ای رایج شده که مورد پذیرش همگانی قرار گرفته است، واژه «مجاز» است. جای شگفتی است که مترجم در واژه‌گزینی برای این اصطلاح بسیار پرکاربرد در زبان‌شناسی شناختی دچار خطایی چنین آشکار شده است. حتی اگر بپذیریم که هر مترجمی از این حق برخوردار است که به خواست و تشخیص خود برای واژه‌های تخصصی رایج در یک رشته برابرنهاد دلخواه برگزیند، همچنان جای این ایراد باقی است که چرا در جایی از ترجمه خود، مانند پانویس، به این موضوع اشاره نکرده است که واژه «مجاز» برابرنهاد رایج و همه‌پسند برای این اصطلاح است اما مترجم به دلایلی «کنایه» را بر آن ترجیح داده است. گفتنی است که «کنایه» معمولاً به‌عنوان برابرنهاد irony به کار می‌رود و آن عبارت است از به‌کار بردن واژه‌ای در معنایی که درست متضاد معنای لفظی آن واژه است (Bussmann, 1996: 596). برای نمونه، هنگامی که به کسی می‌گوییم «باهوش!» و منظور ما این است که او هوش پایینی دارد، کنایه به کار برده‌ایم.

افزون بر این، مترجم در بسیاری از موارد برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی برابرنهادهایی آورده است که با آنچه در کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های فارسی منتشر شده در حوزه زبان‌شناسی شناختی می‌بینم تفاوت دارد و نکته مهم‌تر این است که این برابرنهادها

گاه چندان مناسب و رسا نیستند. در جدول زیر نمونه‌هایی از اصطلاحات انگلیسی، برابر‌نهادهای مترجم و برابر‌نهاد پیشنهادی خود را ذکر کرده‌ایم. گفتنی است که اغلب شماره صفحه‌ها در جدول زیر به‌عنوان نمونه آورده شده‌اند و بسامد واژه‌های ارائه‌شده در ستون دوم جدول غالباً بیش از یک بار است.

جدول ۱. برابر‌نهادهای به‌کاررفته و پیشنهادی برای اصطلاحات تخصصی انگلیسی

واژه انگلیسی	برابر‌نهاد مترجم	برابر‌نهاد پیشنهادی
metonymy	کنایه (ص ۲۱۶-۱۷۴)	مجاز
frame	چارچوب (ص ۳۳۱-۲۷۳)	قاب (یا قالب)
model	مدل (ص ۷۶، عنوان زیربخش)	انگاره
figure and ground	شکل و زمینه (ص ۲۶۸-۲۱۹)	نگاره و زمینه
blending	آمیزه (ص ۳۸۶-۳۳۷)	آمیختگی (یا درهم‌آمیزی)
idealization	ایده‌آل‌سازی (ص ۷۶، پ ۳)	آرمانی‌سازی
generic level	سطح جنس (ص ۹۷، پ آخر)	سطح عام
parasitic categorization	مقوله‌بندی انگل‌وار (ص ۱۱۰، پ ۱)	مقوله‌بندی وابسته
locative	اندری (ص ۱۵۱، پ ۱)	مکانی
type-of relationship	نوع-رابطه (ص ۹۴، پ ۲)	رابطه نوعی-از
type-of hierarchy	نوع-سلسله‌مراتب (ص ۱۲۰، پ ۴)	سلسله‌مراتب نوعی-از
type-of compound	نوع-ترکیب (ص ۱۳۲، پ ۱)	ترکیب نوعی-از
image schema	طرحواره تصویری (ص ۱۵۱، پ ۳)	طرحواره انگاره‌ای؛ طرحواره تصویری
source domain/concept	حوزه/مفهوم منبع (ص ۱۶۲، پ ۲)	حوزه/مفهوم مبدأ
target domain/concept	حوزه/مفهوم هدف (ص ۱۶۲، پ ۲)	حوزه/مفهوم مقصد
script	ویژه‌طرحواره (ص ۷۳)	طرحواره پویا
speech act	کنش‌گفتار (ص ۲۱۲، عنوان زیربخش)	کارگفت
theme	مضمون (ص ۲۴۱، پ آخر)	پذیرا؛ کنش‌رو
profile	نیمرخ (ص ۲۵۴، پ ۲)	برنما
profiling	نیمرخ‌برداری (ص ۲۵۳، پ ۳)	برنمایی

scan	اسکن (ص ۲۵۹، پ ۱)	پیمایش
specificity	تخصیص (ص ۲۶۵، پ ۱)	مشخص‌بودگی
felicity condition	شرایط لطافت (ص ۲۶۶، پ ۲)	شرایط کارایی
superordinate category	مقوله شامل (ص ۱۰۱-۱۲۳)	مقوله فرامرتبه
subordinate category	مقوله مشمول (ص ۱۰۱-۱۲۳)	مقوله فرومرتبه
perspective	دیدگاه (ص ۲۷۳، عنوان زیربخش)	چشم‌انداز
vantage point	موضع مساعد (ص ۲۶۶، پ ۴)	نگرگاه؛ دیدگاه
grounding	ریشه (ص ۲۶۷، پ آخر)	زمینه‌سازی؛ زمینه‌بخشی
sociolinguistics	جامعه‌شناسی زبان (ص ۷۲، پ ۱)	زبان‌شناسی اجتماعی
grammaticalization	دستوری‌سازی (ص ۴۱۹ تا ۴۲۷)	دستوری‌شدگی
de-grammaticalization	دستوری‌سازی-زدایی (ص ۴۲۶، پ ۲)	دستوری‌زدایی
icon	تصویرگون (ص ۳۹۱، پ آخر)	شمایل

افزون بر موارد فهرست‌شده در جدول بالا، برابرنهادهای زیر نیز خالی از ایراد نیست:

- برای واژه *pragmalinguists* معادل فارسی «زبان‌شناسان کاربرد-شناخت» به کار رفته است (ص ۷۱، پ ۱)؛ اما بهتر است از معادل بهتری مانند «زبان-کاربردشناسان» استفاده شود.

- در عنوان زیربخش در صفحه ۲۳۵، اصطلاح *Role archetypes* «صورت‌های نوعی نقش» ترجمه شده، در حالی که برابرنهاد رایج برای *archetype* در فارسی «کهن‌الگو» است و درست آن است که «کهن‌الگوهای نقش» ترجمه شود. جالب است که دو سطر پایین‌تر، در برابر همین اصطلاح، «صورت‌های نوع نقش» آمده است.

- دو اصطلاح تخصصی *causation* و *causative* که در زبان‌شناسی بسیار رایج‌اند و برابرنهاد «سببی‌سازی/سببیت» و «سببی» برای آنها جاافتاده است، به ترتیب «علیت» و «علی» ترجمه شده‌اند (ص ۲۹۸). در همین صفحه اصطلاح‌های «غیر-علی»، «رویداد-علیت»، «مسبب-علیت» و «کنش‌گر-علیت» نادرست یا دست‌کم نامناسب‌اند و بهتر است به جای آنها «غیرسببی»، «سببیت-رویداد»، «سببیت-باعث» و «سببیت-کنشگر» به کار رود.

### ه) نادرستی، نارسایی یا نایکنواختی ترجمه

از مهم‌ترین نقدهایی که به ترجمه کتاب می‌توان وارد کرد این است که گاه ترجمه واژه‌ها، عبارت‌ها یا جمله‌ها به‌درستی انجام نشده، گاه ترجمه ارائه‌شده نارساست و گاه نایکنواختی در آن دیده می‌شود. در ادامه این بخش، نمونه‌هایی از هر سه ایراد پیش‌گفته (یعنی نادرستی، نارسایی یا نایکنواختی ترجمه) ارائه و بررسی می‌گردد.

#### نادرستی ترجمه

از دیگر کاستی‌هایی که ترجمه کتاب یافت می‌شود این است که گاه ترجمه عبارت‌ها و جمله‌ها به‌درستی انجام نگرفته است. در ادامه، به ذکر مواردی از ترجمه نادرست پرداخته می‌شود.

- عبارت attribute-listing experiments به‌صورت «آزمایش‌های صفت-فهرست‌کن» (ص ۴۹، پ ۱) ترجمه شده است؛ اما بهتر است ترجمه آن به‌صورت «آزمایش‌های فهرست‌بندی صفت» یا «آزمایش‌های فهرست کردن صفت» باشد. همین عبارت انگلیسی در صفحه ۱۳۰ در پاراگراف نخست به‌صورت «آزمایش فهرست-صفت» ترجمه شده است. در اینجا نه تنها با ترجمه نادرست یا دست‌کم نارسا مواجه‌ایم، بلکه با عدم یک‌دستی در ترجمه نیز مواجه‌ایم.

- در عبارت «اصل پیوستار»: استمرار عناصر، اگر فقط [...]» (ص ۵۷، پ ۱) که ترجمه‌ای برای پاره‌گفتار زیر است، واژه «استمرار» اضافی است.

‘principle of continuation’: elements will be perceived as wholes if they only have few interruptions.

- جمله «اما، شکل فقط یک جنبه از سازمان و اجسام گشتالت است» (ص ۵۷، پ ۳) به‌عنوان ترجمه جمله زیر آمده است:

However, shape is just one aspect of the gestalt of organisms and objects, [...]

چنین می‌نماید که در اینجا واژه organisms که به معنای «جانداران، موجودات زنده» است، به اشتباه organization دیده شده و به همین دلیل «سازمان» ترجمه شده است. در ضمن، بهتر است که objects را «اشیاء» ترجمه کنیم و نه «اجسام». در پاراگراف پس از همین جمله و نیز در جاهای دیگر، واژه object «جسم» ترجمه شده است که خوانند ممکن است آن را به «بدن، تن» تعبیر کند. از این رو، برابر نهاد «شیء» برای آن مناسب‌تر است.

- در عنوان شکل ۱-۹، «گزینه‌ای از طرح‌های اجسام فنجان-گونه [...]» (ص ۵۳) باید به صورت «گزیده‌ای از [...]» ترجمه شود زیرا متن انگلیسی آن A selection of است. همین اشتباه در عنوان شکل ۲-۱ (ص ۹۶) نیز تکرار شده است.
- دو واژه physiological و physiologists به ترتیب به صورت «زیست‌شناسان» و «زیست‌شناسی» ترجمه شده‌اند (ص ۶۲، پ ۳ و ۴) که کاملاً نادرست است. معادل زیست‌شناسی در انگلیسی biology است. در اینجا باید ترجمه به صورت «کاراندام‌شناسان» و «کاراندام‌شناختی» (برابرنهادهای مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی) یا به صورت «فیزیولوژیست» و «فیزیولوژیکی» باشد که رایج‌ترند.
- عبارت [...] از مفهوم عینی‌تر «تصویر» یا «طرح‌واره‌ی تصویری» تا «بازنمایی» انتزاعی‌تر «یک مقوله» یا ایده‌آل تغییر کنند» (ص ۶۳، پ ۴) به عنوان ترجمه بخشی از متن زیر نادرست است:

so that definitions may range from the more concrete notion of 'image' or 'schema' to the more abstract 'representation of a category' or 'ideal' according to the categories to which they are applied [...]

- ترجمه درست آن به این صورت می‌تواند باشد: «[...] از مفهوم عینی‌تر «تصویر» یا «طرح‌واره» تا مفهوم انتزاعی‌تر «بازنمایی یک مقوله» یا «ایده‌آل» متغیر باشند.»
- عبارت semantic unit به اشتباه «واحد صدا» ترجمه شده (ص ۷۱، پ ۲) و درپانویس نیز به اشتباه segment unit نوشته شده است. در همین صفحه و پاراگراف، همچنین به جای «زبان‌شناسان شناختی» به اشتباه «زبان‌شناسان زبان» آمده است.
  - در برخی موارد، عبارت in this sense را باید به صورت «از این نظر/لحاظ/جهت» ترجمه کرد و نه به صورت «در این مفهوم». برای نمونه، عبارت «در این مفهوم صفت‌ها جزء جدایی‌ناپذیر تحقیق تجربی در مورد ساختارهای مقوله هستند» (ص ۶۴، پ آخر) بهتر است به صورت «از این نظر (یا از این جهت/لحاظ)، صفت‌ها جزء جدایی‌ناپذیر [...]» نوشته شود.
  - عبارت anthropological linguistics به «زبان‌شناسی مردم‌شناسی» ترجمه شده است (ص ۷۶، پ آخر و ص ۷۷، پ اول) در حالی که «زبان‌شناسی مردم‌شناختی» درست است.



- عبارت cultural model به اشتباه «بافت فرهنگی» ترجمه شده است (ص ۸۴) در حالی که بر پایه واژه‌گزینی مترجم باید «مدل فرهنگی» و بهتر آن است که «انگاره فرهنگی» باشد.
- عبارت schematic representation در عنوان شکل ۳-۲ (ص ۱۰۲) به اشتباه «بازنمایی معنایی» ترجمه شده که درست آن «بازنمایی طرحواره‌ای» است.
- در عنوان زیربخش آغازین صفحه ۱۰۷، عبارت «هم‌زیستی سطح پایه و مقوله‌های پیش‌نمونه» نادرست است و باید به صورت «هم‌زیستی مقوله‌های سطح پایه و پیش‌نمونه» درآید.
- در عنوان دومین زیربخش در صفحه ۱۲۰ عبارت Scientific and folk taxonomies revisited به صورت «رده‌بندی‌های علمی و عامیانه باز هم به هم رسیدند» ترجمه شده، در حالی که ترجمه درست آن چیزی مانند «بازنگری رده‌بندی‌های علمی و عامیانه» می‌تواند باشد، زیرا revisit به معنای «بازنگری/بازبینی کردن» است. جالب اینجاست که در صفحه ۲۶۱ عنوان Syntactic figure and ground revisited به صورت «باز هم درباره‌ی شکل نحوی و زمینه‌ی نحوی» ترجمه شده است که گرچه درست‌تر از ترجمه قبلی است اما همچنان دقیق نیست.
- در عنوان زیربخش در صفحه ۱۲۳ عبارت Type-of hierarchies vs part-whole hierarchies به صورت «نوع- سلسله‌مراتب‌ها در برابر سلسله‌مراتب‌های جزء- کل» ترجمه شده است. ترجمه درست این عبارت «سلسله‌مراتب‌های نوعی- از در برابر سلسله‌مراتب‌های جزء- کل» است. در صفحه بعد نیز عبارت «نوع- رابطه» را می‌بینیم که شکل درست آن «رابطه نوعی- از» است. این گونه ترجمه‌های نادرست نشان می‌دهد که مترجم منظور نویسنده را به درستی متوجه نشده است، زیرا در غیر این صورت به سادگی درمی‌یافت که «رابطه جزء- کل» و «رابطه نوعی- از» دو نوع رابطه رایج در میان مفاهیم‌اند.
- «آنچه به همین اندازه مهم است مقوله‌های منبع پایه است، یعنی اثری از گل، سنگ، و سکه در عبارت زبانی دیده نمی‌شود» (ص ۱۳۸، پ ۲) ترجمه‌ای است برای متن زیر:

What is equally noticeable is that the basic source categories, i.e. FLOWER, DOG and COIN, are not signalled in the linguistic expression.

ترجمه درست می‌تواند به این صورت باشد: «آنچه به همین اندازه مهم است این است که مقوله‌های مبدأ پایه، یعنی گل، سنگ و سکه، در عبارت زبانی متجلی نمی‌شوند.»

- واژه organisms در عنوان نخستین زیربخش از فصل دوم (ص ۹۳) به صورت «موجودات» ترجمه شده است در حالی که موجودات دربرگیرنده اشیاء و پدیده‌های غیرجاندار هم می‌شود. همین اشتباه در عنوان زیربخش صفحه ۱۴۷ و در عنوان شکل ۲-۱۶ (ص ۱۵۰) نیز به چشم می‌خورد. ترجمه درست برای organisms «جانداران، موجودات زنده» است.

- مترجم در ترجمه پاره‌متن زیر دچار این خطا شده که both را اشاره‌گر به «دو ادعای عمده» دانسته است، در حالی که اشاره به استعاره و مجاز (یا به تعبیر مترجم، کنایه) دارد. از این رو، این گونه ترجمه کرده است: «[...] دو ادعای عمده‌ی زبان‌شناسان شناختی در توصیف استعاره در مورد کنایه هم به کار خواهند رفت (لیکاف و ترنر ۱۹۸۹: ۱۰۳): هر دو ادعا ماهیت مفهومی دارند و به‌عنوان فرایندهای نگاشت فهمیده می‌شوند» (ص ۱۷۴، پ ۶).

[...] two major claims made by cognitive linguists in the description of metaphor also apply to metonymy (Lakoff and Turner 1989: 103): both are seen as being conceptual in nature and both can be understood as mapping processes.

ترجمه درست پاره‌متن بالا چنین می‌تواند باشد: «[...] دو ادعای عمده‌ی زبان‌شناسان شناختی در توصیف استعاره، درباره‌ی مجاز نیز مصداق دارد (لیکاف و ترنر ۱۹۸۹: ۱۰۳): هر دوی آنها [یعنی استعاره و مجاز] دارای ماهیت مفهومی دانسته می‌شوند و هر دو به‌مثابه فرایند نگاشت تلقی می‌گردند.»

- عبارت referential function (ص ۱۷۸، پ ۱) به جای آنکه «کارکرد ارجاعی» یا «نقش ارجاعی» ترجمه شود، به اشتباه «تابع ارجاعی» ترجمه شده است. چنین می‌نماید که مترجم از اصطلاح «تابع» که در ریاضیات به‌عنوان برابر نهاد function رایج است استفاده کرده است. جالب است که چند سطر پایین‌تر، عبارت highlighting function به‌درستی «کارکرد برجسته‌سازی» ترجمه شده است.

- در عنوان زیربخش در صفحه ۱۸۱ Emotions and physiological metonymies به اشتباه «عواطف به‌عنوان کنایه‌های فیزیولوژیکی» ترجمه شده که صورت درست آن «عواطف و مجازهای فیزیولوژیکی» است. در عنوان زیربخش صفحه ۱۹۱ نیز

عبارت Emotion scenarios and prototypicality به صورت «سناریوهای عاطفی و پیش‌نمونه» ترجمه شده که می‌بایست «سناریوهای عاطفی و پیش‌نمونی» باشد.

- در پاراگراف نخست از صفحه ۲۰۰، اصطلاح user-friendly که اصطلاحی رایج در علوم رایانه است، «کاربر-یار» ترجمه شده، در حالی که برابر نهاد رایج و مناسب آن «کاربرپسند» است.

- «اما دو رویکرد با شباهت خیلی فاصله دارند» (ص ۲۷۸، پ ۲) ترجمه درست و رسایی برای عبارت زیر نیست:

However, the two approaches are far from identical.

ترجمه پیشنهادی: «با این حال، دو رویکرد اصلاً یکسان نیستند».

- اصطلاح‌های گوناگونی در عبارت‌های زیر نادرست یا دست‌کم نارسا ترجمه شده‌اند.

Windowing of attention in motion event-frames

«پنجره‌گشایی توجه در رویداد-چارچوب حرکت» (ص ۲۹۲، عنوان زیربخش)

ترجمه پیشنهادی: «توجه‌گشایی در قاب‌های رویداد حرکتی»

Causal-chain windowing

«پنجره‌گشایی علی-زنجیره‌ای» (ص ۲۹۸، عنوان زیربخش)

ترجمه پیشنهادی: «توجه‌گشایی زنجیره سببی»

causal-chain event-frame

«رویداد-چارچوب زنجیره-علی» (ص ۲۹۹، پ ۴)

ترجمه پیشنهادی: «قاب رویداد زنجیره سببی». جالب است که در سطر بعدی، همین عبارت به صورت «چارچوب-رویداد زنجیره-علی» آمده است.

- در عنوان هر دو زیربخش صفحه ۳۶۸ واژه texts به اشتباه «بافت» ترجمه شده و از این رو، عبارت «بافت‌های تبلیغاتی» باید به «متون تبلیغاتی» تبدیل شوند.

- در صفحه ۴۰۹، پاراگراف ۴ عبارت «[...] و اخیراً تغییرات رادیکال برحسب جانشینی یا انتقال معنی» ترجمه درست برای متن زیر نیست:

[...] and to mention the most radical change last, in terms of substitution or semantic shift.

«[...] و در پایان بنیادی‌ترین تغییر، برحسب جانشینی یا انتقال معنایی» ترجمه درست

می‌تواند باشد.

- سطر نخست از متن زیر عنوان «تصویرگونگی» در صفحه ۳۹۱ درست ترجمه نشده است: «مطالعه‌ی تصویرگونگی، یا به بیان ملموس‌تر، زبان لال‌بازی دنیا، عمدتاً در زمره‌ی آن پژوهش‌هایی است که با زبان‌شناسی شناختی شروع نکرده‌اند»

The study of iconicity, or more tangibly, of language miming the world, ranks prominently among those lines of research that have not been initiated by cognitive linguists

ترجمه پیشنهادی: «مطالعه تصویرگونگی، یا به بیان ملموس‌تر، مطالعه زبان تقلیدکننده جهان، در زمره خطوط پژوهشی است که آغازگر آن زبان‌شناسان شناختی نبودند».

- صفت iconic در سه اصطلاح انگلیسی متفاوت در پاراگراف نخست از صفحه ۳۹۳ به دو صورت متفاوت «تصویرگون» و «تصویرگونی» ترجمه شده است. در ضمن، تنها معادل انگلیسی یکی از این سه اصطلاح در پانویس آمده و معادل دو اصطلاح دیگر نیامده است.

- در صفحه ۴۱۶ عنوان شکل ۷-۷ به اشتباه به صورت «مقوله‌ی ایده: جمله‌های ساده و برچسب‌های معانی» ترجمه شده است.

The category IDEA: sample sentences and semantic labels

ترجمه پیشنهادی: «مقوله «ایده»: جمله‌های نمونه و برچسب‌های معنایی».

- عبارت «حالت مورد آزمون ما یکی از مشهورترین [...]» ترجمه درستی برای عبارت زیر نیست:

Our test case is one of the best-known instances of grammaticalization in English

ترجمه پیشنهادی: «مورد آزمایشی ما یکی از شناخته‌شده‌ترین [...]».

- اصطلاح propositional schemas در پاراگراف پایانی صفحه ۴۲۴ و صفحات پس از آن بارها به اشتباه «طرح‌واره‌های حرف‌اضافه‌ای» ترجمه شده است. چنین می‌نماید که مترجم proposition را با preposition اشتباه گرفته و به جای «طرح‌واره‌های گزاره‌ای» این ترجمه نادرست را به کار برده است. این چنین اشتباه‌هایی در ترجمه اصطلاح‌های تخصصی آسیب و نارسایی جدی در ترجمه پدید می‌آورد.

- عبارت «رویکرد گشتالت به فراگیری موضوع‌های دستوری و پیش‌دستوری» (ص ۴۳۷، عنوان زیربخش) به عنوان ترجمه متن زیر نادرست است:

The gestalt approach to grammatical issues and pre-grammatical learning

ترجمه پیشنهادی: «رویکرد گشتالت به مسائل دستوری و یادگیری پیش‌دستوری»

- در صفحه ۴۴۱ در عنوان جدول ۷-۱۷ واژه complement به اشتباه «مؤلفه» ترجمه شده در حالی که درست آن «متمم» است. چنین می‌نماید که مترجم این واژه را component دیده است.
- در صفحه ۳۲۳ در عنوان زیربخش و پاراگراف‌های پس از آن، اصطلاح argument-structure به جای آنکه «ساختار موضوعی» ترجمه شود، به نادرستی «موضوع-ساختار» ترجمه شده است. همچنین در پاراگراف ۳ از صفحه ۳۲۰ اصطلاح-caused motion به جای «حرکت سببی»، «حرکت-واداشته» ترجمه شده، در حالی که در سطرهای پیشتر causation به «علیت» ترجمه شده است.
- ترجمه عبارت to cope with در صفحه ۳۸۶ (پ ۴) به اشتباه «برای رقابت با» ترجمه شده است در حالی که درست آن است که «از عهده برآمدن» ترجمه شود.  
The notion of figure and ground should be given a speaker- and hearer-oriented interpretation to cope with the cognitive aspects of relevance.
- در صفحه ۴۰۷ (پ ۳) عبارت Holistically experienced به اشتباه «به لحاظ تاریخی تجربه‌شده» ترجمه شده است که صورت درست آن «به صورت کلی تجربه‌شده» می‌تواند باشد.
- در عنوان زیربخش نخست در صفحه ۴۰۹ واژه prototypicality به اشتباه «پیش‌نمونه» ترجمه شده که باید «پیش‌نمونی» باشد.
- عبارت the appropriate cognitive term در پاراگراف دوم از صفحه ۴۱۴ به اشتباه «اصطلاح شناختی کنارگذاشتن» ترجمه شده است، در حالی که آن را می‌توان «اصطلاح شناختی مناسب» ترجمه کرد.
- عبارت the frequency-filtered vocabulary items در صفحه ۴۳۲ (پ ۱) به اشتباه «اقلام واژگانی بسامد-از صافی گذشته» ترجمه شده است. درست آن است که به صورت «اقلام واژگانی از صافی بسامد گذشته» یا «اقلام واژگانی غربال‌شده براساس بسامد» ترجمه شود.

### نارسایی ترجمه

خواننده کتاب گاه با ترجمه‌هایی روبرو می‌شود که معنا و مقصود مورد نظر نویسنده را به خوبی منتقل نمی‌کنند و به عبارتی نارسا هستند. نمونه‌هایی از نارسایی در ترجمه به شرح زیر است.

- عبارت «آزمون‌های نامیدن لباو» (ص ۵۵، پ ۱) ترجمه رسایی برای عبارت انگلیسی زیر نیست:

Labov's naming tests

بهرتر است به صورت «آزمون‌های نام‌گذاری لباو» یا «آزمون‌های نام‌دهی لباو» ترجمه شود.

- «فقط در بازاندیشی آزمودنی‌ها می‌توانستند برخی ویژگی‌های فردی را [...]» (ص ۵۶، پ ۱)

Only on second thoughts were the informants able to pinpoint certain individual properties [...]

این متن بهتر است به صورت «آزمایش‌شوندگان صرفاً با بازاندیشی می‌توانستند برخی ویژگی‌های فردی را [...]» ترجمه شود.

از آنجا که زبان فارسی زبانی ضمیرانداز (pro-drop) است و در بسیاری از موارد فاعل‌های ضمیری را حذف می‌کند، حذف فاعل ضمیری از جمله به روانی آن می‌افزاید. برای نمونه در جمله «وقتی با جانوری برخورد می‌کنیم ما مقوله‌بندی آن را با ارزیابی صفت‌های خاص شروع نمی‌کنیم [...]» (ص ۵۴، پ ۲) یا در جمله «با رها ساختن حوزه‌ی «اسمی» اجسام و حوزه‌ی «فعلی» کنش‌ها [...]، ما با یک معما برخورد می‌کنیم.» (ص ۱۴۸، پ ۳). در این گونه موارد حذف فاعل ضمیری به روانی و رسایی متن کمک می‌کند. اما همچنان که در مواردی عدم حذف فاعل ضمیری مایه ناروانی متن می‌شود، در مواردی نیز حذف آن مایه ناخوانایی متن است. برای نمونه، در پاراگراف نخست پس از عنوان «پیش‌نمونه» در صفحه ۶۳ با جمله «می‌تواند از تجربیات مقوله‌بندی استنتاج شود» روبرو می‌شویم که به دلیل عدم ترجمه فاعل it دارای ابهام است. ضمیر it به واژه prototype در جمله پیشین برمی‌گردد و از این رو می‌توان نوشت: «پیش‌نمونه می‌تواند از تجربیات مقوله‌بندی استنتاج شود».

- عبارت «با این حال، در این مثال‌ها چیزی بیشتر از انتقال پیش‌نمونه‌ها در خطر است» (ص ۶۹، پ ۲) ترجمه‌ای است که برای جمله زیر ارائه شده است:

However, more than a shift of prototypes is at stake in these examples.

در اینجا be at stake نه به معنای «در خطر/مخاطره بودن» بلکه به معنای «مورد بحث بودن» یا «زیر سوال بودن» است. با توجه به این موضوع و برپایه بافت متنی می‌توان جمله زیر را این چنین ترجمه کرد:

«با این حال، آنچه در این مثال‌ها مورد بحث است چیزی بیش از تغییر پیش‌نمونه است.»

- در صفحه ۱۷۵ در متن زیر عنوان نخستین زیربخش با جمله «استعاره‌ها و کنایه‌ها از لحاظ سنتی بازی با کلمات در نظر گرفته می‌شدند» روبرو می‌شویم که ترجمه جمله زیر است:

“Traditionally, metaphors and metonymies have been regarded as figures of speech”

«بازی با کلمات» ترجمه مناسبی برای figures of speech نیست؛ این اصطلاح در ادبیات به معنای «صنایع بدیع» به کار می‌رود و از نظر نگارنده «آرایه گفتار» یا «آرایه سخن» می‌تواند برابر نهاد مناسبی برای آن باشد. جالب اینجاست که همین اصطلاح در عنوان دومین زیربخش در همان صفحه «ابزار ادبی» ترجمه شده و جالب‌تر آن است که در متن زیر همین عنوان، عبارت figurative senses «مضمون‌های مجازی» و figurative language «زبان مجازی» ترجمه شده است. این در حالی است که در همه موارد می‌توان برابر نهاد «آرایه» و «آرایه‌ای» را به کار برد. از این رو، افزون بر نارسایی در ترجمه، با نایکنواختی در ترجمه نیز روبرو هستیم.

- در صفحه ۴۰۶ (پ ۳) عبارت «واژه‌های نام‌آوا (تصویرگون، تصویر)» باید به «واژه‌های نام‌آوا (تصویر تصویرگونه)» تبدیل شود.

- «برجسته‌ترین شبکه‌ی پیشنهادشده، تاکنون، نظریه‌ای است که مطرح می‌کند چه‌گونه فضاهاى ذهنی ساخته می‌شوند و در خلال پردازش در جریان زبان درهم‌می‌آمیزند» (ص ۳۳۷، پ ۲) برای جمله زیر نادرست است:

The most prominent framework proposed so far is the theory of how mental spaces are constructed and blended during online language processing.

ترجمه درست چنین می‌تواند باشد: «برجسته‌ترین چارچوب پیشنهادشده تاکنون نظریه‌ای است درباره اینکه فضاهاى ذهنی چگونه در حین پردازشِ برخط زبان ساخته و آمیخته می‌شوند».

- در صفحه ۲۷۶ در عنوان زیربخش، عبارت The frame notion: different conceptions and related concepts به صورت «مفهوم چارچوب: مفاهیم متفاوت و مفاهیم وابسته» ترجمه شده و در آن هر سه واژه notion, concept و «مفهوم» ترجمه شده‌اند. گرچه در فارسی معمولاً برای برای هر دو واژه notion و concept معادل «مفهوم» به کار می‌رود اما conception را باید «برداشت/دریافت» ترجمه کرد. از این رو، بهتر است این عنوان را به صورت «مفهوم قاب: برداشت‌های متفاوت و مفاهیم مرتبط» ترجمه کنیم.

- اصطلاح predicate در صفحه ۱۹۹ «گزاره» ترجمه شده است. این اصطلاح که در برخی رشته‌ها همچون فلسفه، منطق و زبان‌شناسی کاربرد دارد معمولاً «محمول» ترجمه می‌شود و predicate and subject اغلب «محمول و موضوع» گفته می‌شود. «گزاره» برابر نهاد رایج و مناسبی برای proposition است.

افزون بر نمونه‌های بالا، موارد دیگری از ترجمه نادرست یا نارسای واژه‌ها را در ترجمه کتاب می‌توان یافت که در جدول فهرست‌وار آمده‌اند.

جدول ۲. نمونه‌هایی از ترجمه‌های نادرست یا نارسا برای واژه‌های انگلیسی به همراه ترجمه‌های پیشنهادی

معادل انگلیسی	صفحه و پاراگراف	ترجمه نادرست/نارسا	ترجمه پیشنهادی
classification	ص ۹۴، پ ۳	رده‌بندی	طبقه‌بندی
default assignment	ص ۲۸۱، پ آخر	تکالیف پیش‌فرض	تخصیص پیش‌فرض
dictionary	ص ۲۷۸، پ ۲	دیکشنری	واژه‌نامه؛ فرهنگ واژگان
event-frames	ص ۲۸۸، عنوان زیربخش	رویداد-چارچوب‌ها	قاب‌ها/قالب‌های رویداد
framework	ص ۳۳۷، پ ۲	شبکه	چارچوب
inner-space	ص ۳۵۳، پ ۳	داخل-فضا	درون‌فضایی
open-ended	ص ۷۳، پ آخر	باز-انتهای	کران‌گشاده
path-windowing	ص ۲۹۳، عنوان شکل ۵-۱۰ ص ۲۹۷، عنوان شکل ۵-۱۲	مسیر- پنجره‌گشایی	توجه‌گشایی مسیر



potential	ص ۲۰۸، عنوان زیربخش	پتانسیل	قابلیت، توانمندی
principle of unpacking	ص ۳۴۹، پ ۱	اصل تجزیه یا از بسته‌بندی باز کردن	اصل بسته‌گشایی
stage metaphor	ص ۲۴۵، عنوان زیربخش	استعاره مرحله	استعاره صحنه
thesaurus	ص ۹۴، پ آخر	تزاروس	گنجینه واژگانی، فرهنگ واژه
windowing of attention	ص ۲۷۸، پ ۲ ص ۲۹۲، عنوان زیربخش	پنجره توجه؛ پنجره‌گشایی توجه	توجه‌گشایی

### نایکنواختی ترجمه

منظور از نایکنواختی ترجمه این است که گاه برابرنهادهای به‌کاررفته برای واژه‌های انگلیسی یک‌دست نیستند و یک واژه واحد به دو یا چند صورت متفاوت ترجمه می‌شود. نمونه‌هایی از این ایراد ترجمه‌ای به شرح زیر است.

- در صفحه ۶۰ در پاراگراف بالای شکل ۱-۱۲، واژه teddy bear نخست به‌صورت «خرس (اسباب‌بازی)» ترجمه شده اما در سطرهای بعد به‌صورت «تدی‌بیر» و «تدی» آمده است. این در حالی است که teddy bear را می‌توان «خرس عروسکی» ترجمه کرد و teddy تنها را «عروسک».

- جمله مثال که در صفحه ۷۱ به‌صورت «پسریچه با سطل و بیل خود یک قصر ماسه‌ای می‌ساخت» ترجمه شده، در صفحه بعد در عنوان شکل ۱-۱۳ به‌صورت «پسریچه با سطل و بیلش یک قصر ماسه‌ای می‌سازد» ترجمه شده است.

- در پاراگراف دوم از صفحه ۹۴ عبارت class inclusion «شمول طبقه» ترجمه شده اما در همان صفحه ترجمه classification به‌صورت «رده‌بندی» آمده است؛ بهتر است «طبقه‌بندی» ترجمه شود زیرا «رده‌بندی» اصطلاحی تخصصی در زبان‌شناسی است که به‌جای typology به کار می‌رود. جالب اینجاست که در صفحه ۹۷ همین واژه در عبارت «طبقه‌بندی گیاهان» درست ترجمه شده است و «رده‌بندی» به‌عنوان برابرنهاد taxonomy به کار رفته است. این گونه آشفتگی و نابسامانی در واژه‌گزینی آسیب جدی به ترجمه و درک آن می‌زند و نیازمند اصلاح و یکسان‌سازی است.

- واژه identity در درون شکل ۶-۱ (ص ۳۴۱) به‌نادرستی «شناسایی» ترجمه شده ولی در متن زیر شکل به‌درستی «این‌همانی» ترجمه شده است.

- اصطلاح source concept که در بحث استعاره و مجاز به کار می‌رود، در مواردی «مفهوم منبع» (مانند ص ۱۷۲ پاراگراف نخست در موارد گوناگون؛ ص ۱۷۳ داخل شکل) و در موارد دیگر «مفهوم مبدأ» (مانند ص ۱۶۷ در عنوان و داخل شکل ۳-۵) ترجمه شده است. برابرنهاد درست و جاافتاده همان «مفهوم مبدأ» است.
- اصطلاح Windowing of attention در صفحه ۲۷۸ پاراگراف دوم، «پنجره توجه» ترجمه شده اما در صفحات ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۳ و موارد دیگر «پنجره‌گشایی توجه» ترجمه شده است. پیشنهاد نگارنده این است که «توجه‌گشایی» ترجمه شود.
- عبارت generic level در پاراگراف ۲ از صفحه ۹۷ و چند پاراگراف بعدی به نادرستی «سطح جنس» ترجمه شده است اما درون شکل ۲-۲ «عام» در برابر generic و «جنس» در برابر genus به کار رفته است. در پاراگراف پایانی صفحه ۹۸ و صفحه‌های بعدی generic level به نادرستی «سطح عام» ترجمه شده است.
- در صفحه ۳۰۷ در عنوان زیربخش، دو اصطلاح satellite-framed و verb-framed به صورت «فعل-چارچوب‌بخش» و «قمر-چارچوب‌بخش» ترجمه شده اما در پاراگراف‌های بعدی «فعل-چارچوب‌بخشیده» و «قمر-چارچوب‌بخشیده» ترجمه شده‌اند.
- اصطلاح prototype split در صفحه ۴۴۱ در عنوان زیربخش به صورت «شکافت پیش‌نمونه» ترجمه شده اما در صفحه ۳۰۷ پاراگراف سوم «انشعاب پیش‌نمونه» آمده است.

#### (و) عدم ترجمه در برابر ترجمه افراطی

- در بخش پیشین به ذکر مواردی از ترجمه نادرست، نارسا یا نایک‌نواخت در متن پرداختیم؛ اما ایرادهای ترجمه‌ای کتاب به همین موارد خلاصه نمی‌شود و دو مورد دیگر را نیز باید به این فهرست افزود: یکی عدم ترجمه برخی عبارات‌ها و دیگری ترجمه غیرضروری یا افراطی.
- در برخی موارد دیده می‌شود که مترجم برخی واژه‌ها یا عبارات‌ها را ترجمه نکرده و آنها را به همان صورت آوایی انگلیسی ولی به خط فارسی نوشته است.
- عدم ترجمه عنوان کتاب‌های موردارجاع در متن یکی از ایرادهای ترجمه‌ای به شمار می‌آید. برای نمونه، در صفحه ۱۴۵ در پاراگراف دوم عنوان کتاب‌ها ترجمه نشده و به

همان صورت انگلیسی، تنها فارسی نویسی شده‌اند: «لانگمن لکزیکان» و «کانسایز آکسفورد دیکشنری» که معادل انگلیسی آنها به صورت زیر است:

Longman Lexicon Concise Oxford Dictionary

- در صفحه ۳۶۶ (تمرین ۱) و ۴۲۱ (پ آخر) نیز به ترتیب با عبارت‌های «آکسفورد دیکشنری آف نیو وورلدز» و «آکسفورد ادونسد لرنر» روبرو می‌شویم. این در حالی است که انتظار می‌رود عنوان کتاب‌ها به فارسی ترجمه شود و معادل انگلیسی آنها در پانویس بیاید.

- به جای «مقوله‌های بیولوژیکی» (ص ۱۰۴، پ آخر) بهتر است که «مقوله‌های زیست‌شناختی» نوشته شود.

- در پاراگراف ۵ از صفحه ۳۶۸ واژه relay به صورت «رله» و در صفحه‌های ۴۰۳-۴۰۷ واژه strategy به صورت «استراتژی» بی ترجمه مانده‌اند. در پاراگراف پایانی صفحه ۳۴۸ نیز در برابر topology principle «اصل توپولوژی» آمده است.

در نقطه مقابل، گاه تلاش مترجم بر این بوده که حتی مثال‌های انگلیسی که نیازی به ترجمه آنها نبوده را ترجمه کند. پافشاری مترجم بر ترجمه یکایک واژه‌های کتاب تا آنجا پیش می‌رود که عبارت there-element انگلیسی را به صورت «ذر- عنصر» (ص ۲۵۰، پ ۱) ترجمه کرده است. درهمین پاراگراف و پاراگراف بعدی آن با ترجمه‌های زیر روبرو می‌شویم:

there	«ذر»
there-constructions	«ذر-ساخت»
there-subject	«ذر- فاعل»
there-sentences	«ذر- جمله‌ها»

افزون بر آنکه فارسی نویسی there به این صورت غیرلازم و حتی نادرست است، ترجمه سه عبارت آخری نیز نادرست است. درست آن است که به صورت «ساخت there»، «فاعل there» و «جمله‌های دارای threr» ترجمه شوند.

همچنین، گاه واژه‌های انگلیسی که نویسنده آنها را به عنوان مثال ذکر کرده نیز ترجمه شده‌اند؛ این در حالی است که بهتر است مثال‌های این‌چنینی به فارسی برگردانده نشوند، چرا که میان آنها و معادل فارسی‌شان انطباق معنایی کامل و تناظر یک‌به‌یک وجود ندارد.

برای نمونه در پاراگراف نخست صفحه ۱۵۱ حروف اضافه off، out، up و in به صورت «در، بالا، خارج، یا آف (off)» به فارسی ترجمه شده‌اند.

- در مثال‌های ارائه شده در شکل ۳-۱۵ (ص ۲۱۰) عبارت‌های مانند «پدري یک بچه کردن»، «معلمی یک دانش آموز کردن» و «مؤلف یک کتاب جدید»، «به پایین تپه اسکی ایدن»، «اره ایدن شاخه» و مانند این‌ها را می‌بینیم. بهتر است این مثال‌ها ترجمه نشوند و اصل انگلیسی آنها بیاید و اگر اصرار بر ترجمه آنهاست، بهتر است در کنار ترجمه فارسی اصل مثال انگلیسی نیز بیاید. همچنین، به جای ترجمه‌های پیش گفته بهتر است این گونه ترجمه شوند: «پدري کردن برای یک بچه»، «معلمی کردن برای یک دانش آموز»، «نویسندگی کردن یک کتاب»، «اسکی کردن به پایین تپه» و «اره کردن شاخه».

#### ۴. نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی و نقد ترجمه کتاب «مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی» (نوشته ف. اونگر و ه. ی. اشمیت؛ ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، ۱۳۹۷؛ انتشارات آگاه) پرداخته شد و کوشش شد با نگاهی موشکافانه کاستی‌ها و نارسایی‌های این کتاب شناسایی و واکاوی گردد. در پایان، مهم‌ترین ملاحظات را می‌توان به صورت زیر فهرست نمود:

- متن ترجمه شده کتاب از لحاظ نگارشی نیاز به ویرایش جدی دارد.
- از لحاظ واژه‌گزینی برای اصطلاح‌های تخصصی و گاه غیرتخصصی نیاز به بازنگری دارد. عدم تسلط مترجم بر اصطلاح‌های تخصصی رایج در زبان‌شناسی شناختی و برابرنهادهای فارسی آنها ترجمه را گاه دچار نارسایی کرده است.
- سه ایراد اساسی در برگردان واژه‌ها، عبارت‌ها یا جمله‌ها به فارسی عبارتند از: نادرستی ترجمه، نارسایی ترجمه و نایکنواختی ترجمه. با بازخوانی کل کتاب و توجه ویژه به نمونه‌های ارائه شده در بخش‌های پیشین مقاله می‌توان این ایرادها را تا اندازه زیادی رفع نمود و به ترجمه درست‌تر، سنجیده‌تر و پخته‌تری دست یافت.
- از لحاظ جمله‌بندی، با ویراستاری جدی و دقیق می‌توان کلیت متن را روان‌تر و شیواتر ساخت.

- نبود پانویس برای اصطلاح‌های تخصصی و نام نویسندگان یکی از کاستی‌های مهم کتاب است.

- بسیاری از ارجاع‌های درون‌متنی و برون‌متنی نیاز به واری و اصلاح دارند.

روی هم‌رفته، با اطمینان می‌توان گفت که کتاب نیازمند بازنگری و ویرایش انشایی، املائی و ترجمه‌ای جدی است و امید است که این کار در ویراست بعدی آن انجام گیرد.

### پی‌نوشت

۱. نمادهای اختصاری ص و پ به ترتیب نشانگر صفحه و پاراگراف‌اند.

### کتاب‌نامه

- اوتز، وی‌ویان و ملانی گرین (۱۳۹۸). الف- ب زبان‌شناسی شناختی (۲ جلد). ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی. تهران: انتشارات آگاه.
- اونگر، فریدریش و هانس یورگ اش‌میت (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی. ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی. تهران: انتشارات آگاه.
- جانسون، مارک (۱۳۹۶). بدن در ذهن: مبنای جسمانی، تخیل و استدلال. ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی. تهران: انتشارات آگاه.
- جانسون، مارک (۱۳۹۶). زیبایی‌شناسی فهم انسان- معنای بدن. ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی. تهران: انتشارات آگاه.
- فلدمن، جروم (۱۳۹۷). از مولکول تا استعاره (نظریه نورونی زبان). ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی. تهران: انتشارات آگاه.
- کوچش، زولتان (۱۳۹۶). استعاره: مقدمه‌ای کاربردی. ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی. تهران: انتشارات آگاه.
- کوچش، زولتان (۱۳۹۶). استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟ شناخت بافت در استعاره. ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی. تهران: انتشارات آگاه.
- لانگاکر، رونالد (۱۳۹۷). مبانی دستور شناختی. ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی. تهران: انتشارات آگاه.
- لی، دیوید (۱۳۹۷). زبان‌شناسی شناختی؛ یک مقدمه. ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی. تهران: انتشارات آگاه.

- لیکاف، جورج (۱۳۹۵). *قلمرو تازه علوم شناختی (آنچه مقوله‌ها درباره ذهن فاش می‌کنند)*. ۲ جلد. ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی. تهران: انتشارات آگاه.
- لیکاف، جورج و رافائل ای. نونیس (۱۳۹۶). *ریاضیات از کجا می‌آید؟ چه‌گونه ذهن جسمانی ریاضیات را خلق می‌کند؟* ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی. تهران: انتشارات آگاه.
- لیکاف، جورج و مارک جانسون (۱۳۹۷). *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم*. ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی. تهران: انتشارات آگاه.

- Bussmann, H. (1996). *Routledge Dictionary of Language and Linguistics* (Translated and edited by G. Trauth & K. Kazzazi). London/New York: Routledge.
- Croft, William and D. Alan Cruse (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dancygier, Barbara (ed.) (2017). *The Cambridge Handbook of Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dirk Geeraerts and Hubert Cuyckens (Eds.) (2007). *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Dirk Geeraerts, Rene Dirven and John R. Taylor (Eds.) (2006). *Cognitive Linguistics: Basic Readings*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Evans, Vyvyan (2007). *A Glossary of Cognitive Linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Evans, Vyvyan and Melanie Green (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Lee, David (2001). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Ungerer, Friedrich and Hans-Jörg Schmid (2006). *An Introduction to Cognitive Linguistics (2nd ed.)*. Harlow: Pearson Education Limited.